

تبیین تهدیدات تکفیریون پاکستان بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران در دو بعد کلان نرم و سخت

حسین مسعودنیا^۱ - سید علی مجیدی نژاد^۲ - عبدالرضا عالیشاهی^۳

(تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۵/۶ - تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۴/۳)

چکیده

پژوهش حاضر باهدف شناخت تهدیدات امنیتی گروه سلفی‌گری پاکستان بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران تنظیم شده است و مساعی اصلی نویسندگان در این پژوهش ارائه پاسخی علمی و عینی به این سوال است که گروه‌های سلفی موجود در پاکستان با آرا و عقاید دیوبندی و وهابی که ضد شیعه و جمهوری اسلامی ایران است چه تهدیداتی را می‌تواند علیه امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران داشته باشد؟ و تهدیدات امنیتی گروه‌های سلفی پاکستان چه ابعادی از امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران را در بر می‌گیرد؟ فرضیه پژوهش حاکی از این است که تکفیریون موجود در پاکستان تهدیداتی را در دو بعد کلان نرم و سخت علیه امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران به وجود می‌آورد که در متن به تحلیل توصیفی و استفاده از منابع مکتوب و مجازی می‌باشد.

واژگان کلیدی: تکفیریون، پاکستان، امنیت ملی، ابعاد نرم و سخت، ج.ا.ایران

h.masoudnia@ase.ui.ac.ir
alimajidinejad897@gmail.com
abdolreza.alishahi@yahoo.com

۱. دانشیار علوم سیاسی دانشگاه اصفهان (نویسنده مسئول)
۲. کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه اصفهان
۳. کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه اصفهان

مقدمه

مکتب سلفیه به معنای اصل بازگشت به آغاز می‌باشد که پیشینه ظهور و رشد این اندیشه سیاسی و جنبش‌های برآمده از آن به نیمه دوم قرن نوزدهم و به شبه جزیره عربستان و شبه قاره هند می‌رسد (Abdul Gaffar, 2013: 53). بررسی رشد و تکامل تاریخی سلفیه نه ضرورتاً به‌عنوان یک مکتب دینی- مذهبی و یا فلسفی بلکه به‌عنوان یک مکتب دقیقاً سیاسی نشان می‌دهد؛ هدف تکفیریون از آغاز فعالیت‌های سیاسی خود در شبه جزیره عربستان (که تا سال ۱۹۱۸ بخشی از امپراتوری عثمانی بوده و سپس در شبه قاره هند که تا سال ۱۹۴۸ مستعمره امپراتوری بریتانیا و بعد در قاره افریقا بوده) بر سر تسخیر قدرت سیاسی و نه مسائل تئولوژیکی^۱ و یا فلسفه دینی، می‌باشد. تکفیری‌ها در طول نیمه اول قرن بیستم به سه گرایش (جناح سیاسی) تقسیم و در دوره جنگ سرد و سپس در دوره بعد از جنگ سرد از ۱۹۹۱ به این سو، به سرعت رشد کرده و تقویت شدند. از نظر تاریخی قدیمی‌ترین مکتب سلفی، مکتب وهابی‌های تکفیری در شبه جزیره عربستان است. تکفیری‌ها پیروان تمام ادیان و مذاهب از جمله کلیه مسلمانان به ویژه شیعیان را غیر خودی، کافر و مهدورالدم دانسته و خون آنها را حلال می‌دانند (Fawaz, 2005: 63). رهبر اصلی و بنیانگذار سلفیه تکفیری ابن تیمیه می‌باشد که بعدها محمد بن عبدالوهاب در شبه جزیره عربستان مجری سیاست‌ها و اندیشه‌های ابن تیمیه شد. امروز وهابی‌ها در عربستان و دیگر مناطق شبه جزیره (قطر، امارات متحده، بحرین، عمان و یمن) بنیادگرایان را بعد از آموزش و پرورش به کشورهای مختلف خاورمیانه (لبنان، اردن، نوار غزه، سوریه و ...)، آسیای میانه (تاجیکستان و ...)، افریقای غربی (مالی، موریتانی و ...)، افریقای شمالی (مصر، لیبی، الجزیره، تونس و ...) و مناطق مسلمان‌نشین جنوب روسیه (چچن، داغستان و ...) می‌فرستند تا در آن کشورها و مناطق شرایط را برای استقرار حکومت‌های بنیادگرای دینی، آماده سازند. بررسی فعالیت‌های تکفیری‌های متعلق به جناح وهابی‌های تکفیری در جهان نشان می‌دهد که شاخه‌های مختلف این جناح در کشورهای افریقای شمالی، خاورمیانه و افریقای غربی از موقعیت‌های مهمی برخوردار بوده و در اکثر مواقع به طور مستقیم و غیر مستقیم از حمایت برخی قدرت‌های نظام جهانی برخوردار هستند، زیرا آنها از حامیان و محافظین مطمئن و مقتدر منویات و منافع صاحبان ثروت و قدرت کشورهای مسلط مرکز در آن مناطق که ۶۰ درصد منابع طبیعی جهان را در بر می‌گیرند، هستند (Kenney, 2014: 18).

جریان (جناح) دوم سلفیه را دیوبندی‌ها تشکیل می‌دهند این جریان و گروه‌های گوناگون در آن از ۱۵۰ سال پیش به این سو عمدتاً تحت تاثیر اندیشه‌های سیاسی و بنیادگرایانه شاه نعمت‌الله دهلوی که مروج مسلک سلفی بود، به وجود آمده و در مناطق مختلف شبه قاره هند و

افغانستان گسترش یافتند. دیوبندی‌های سلفی بعد از گسترش در کشورهای پاکستان، افغانستان، بنگلادش و مناطق مسلمان‌نشین کشور هندوستان به تدریج در ایالت سیستان و بلوچستان ایران که اکثریت ساکنین آن حنفی‌های اهل سنت هستند، نیز نفوذ کرده و تعداد قابل توجهی از اهالی آن ایالت را پیرو جنبش دیوبندی‌ها درآوردند. در مجموع می‌توان گفت که به غیر از گروه‌های متنوع طالبان و نئوطالبان^۱ در کشورهای افغانستان و پاکستان، گروه‌های جندالله و لشکر صحابه در بلوچستان پاکستان و بلوچستان ایران نیز پیروان سلفیه دیوبندی هستند در دهه ۱۹۸۰ و در بجنوبه جنگ افغانستان، دیوبندی‌ها در پاکستان مدارس مذهبی متعددی در ایالات پشتون نشین پاکستان (ایالات وزیرستان شمالی و جنوبی، ایالت شمال غربی و در بلوچستان پاکستان) تاسیس کرده و پشتون‌های افغانی رانده شده از افغانستان را در این مدارس تعلیم داده و آنها را تحت نام طالبان روانه افغانستان کردند. اگر حوزه فعالیت و نفوذ سلفی‌های تکفیری خاورمیانه بزرگ و مناطق افریقایی است، حوزه فعالیت‌های سلفی‌های دیوبندی در منطقه پهناور جنوب آسیا و سواحل اقیانوس هند (پاکستان، بنگلادش، افغانستان و مناطق مسلمان نشین در هندوستان) و استان بلوچستان و سیستان در ایران می‌باشد (Waldman, 2013: 153-154).

جناح و گرایش سوم سلفیه را تکفیری‌های اعتدالی تشکیل می‌دهند که امروزه به‌عنوان پدیده «اخوان المسلمین»^۲ قدرت سیاسی را تحت احزاب توسعه و عدالت، آزادی و عدالت، نور و نهضت در کشورهای ترکیه، تونس، یمن و بخشی از قدرت سیاسی (اکثریت قوه‌های مقننه) را در قطر، اردن، بحرین، امارات عربی، عمان و کویت تسخیر کرده‌اند. بررسی ادبیات سیاسی اخوان المسلمین از آغاز ظهور و رشدشان در شمال افریقا (به ویژه مصر) در دهه ۱۹۲۰ نشان می‌دهد که رهبران این جریان در حال حاضر در ۳۸ کشور افریقایی و خاورمیانه‌ای از نفوذ سیاسی قابل توجهی در ارکان دولتی برخوردارند و بیشتر و حریص‌تر از تکفیری‌ها و دیوبندی‌ها به مسئله تسخیر قدرت سیاسی اهمیت می‌دهند. شیخ محمد عبده از موسسین و تئوریسین‌های اخوان المسلمین مصر و سپس شاگرد او رشید رضا و بعدا حسن البنا که در مصر سازمان اخوان المسلمین را به یک نیروی سیاسی در دهه ۱۹۴۰ تبدیل کردند، با ترویج و تبلیغ شعار «توحید صفوف» در مقابل «توحید قبور»؛ هدف تسخیر قدرت سیاسی در کشورهای مسلمان‌نشین را سرلوحه فعالیت‌های سیاسی خود قرار دادند. اندیشه‌ها و نگاهت‌های سیاسی اخوان المسلمین در ظهور و رشد سازمان فدائیان اسلام در ایران دهه ۱۹۴۰ نقش بزرگی ایفا کردند (Hegghammer, 2014: 94-95).

نویسندگان در این پژوهش درصددند تا با استفاده از نظریه تهدیدات امنیتی سخت و نرم و

1. The Neo-Taliban.

2. The Muslim Brotherhood.

روش توصیفی و تحلیلی، به بررسی و تبیین تهدیدات تکفیریون پاکستان (در واقع نوع دوم سلفی‌گری که در بالا به آن اشاره شد) علیه امنیت ملی جمهوری اسلامی پردازند. در قسمت نخست نوشتار، مبانی نظری تهدیدات امنیت ملی در ابعاد سخت و نرم مورد واکاوی قرار می‌گیرد. سپس در قسمت دوم به علت و چگونگی شکل‌گیری گروه‌های سلفی و انواع گروه‌های سلفی در پاکستان و نهایتاً به تهدیدات امنیتی این گروه‌ها بر امنیت جمهوری اسلامی ایران در جنبه‌های سخت و نرم می‌پردازیم.

چهارچوب نظری

واقعیت اینست که در تبیین و شناخت چرایی دلایل شکل‌گیری جنبش‌های سلفی‌گری می‌توان دلایل متعددی را برشمرد لکن ذکر این نکته ضروری است که شکل‌گیری جنبش‌های سلفی‌گری در کشورهای مختلف، دلایل زیادی دارد. به عنوان مثال تبیین تکفیریون و بنیان‌های فکری آنها در جامعه مصر قطعاً با سلفی‌گری موجود در کشورهای همچون عراق یا پاکستان متفاوت است. این تفاوت در ایدئولوژی، ساختار، نوع مبارزه، اهداف و... به چشم می‌خورد. لذا در این پژوهش، سعی نویسندگان در وهله نخست، حول تبیین دلایل شکل‌گیری و در ادامه تهدیدات بالقوه جنبش‌های سلفی‌گری پاکستان بر امنیت جمهوری اسلامی ایران در دو بعد کلان سخت و نرم می‌باشد. در همین راستا، نویسندگان با بهره‌گیری از تئوری‌های تلفیقی خورشید احمد، هریر دکمجیان، ساموئل هانتینگتون و در نهایت تئوری هوشنگ امیر احمدی درصدد ارائه پاسخی متقن به سوال فوق (دلایل شکل‌گیری و تهدیدات آن بر امنیت ج.ا.ایران) می‌باشند. با نگاهی اجمالی به رویکردهای تکفیریون پاکستان، می‌توان ادعان کرد که مقابله با شیعیان منطقه اعم از شیعیان پاکستان و دیگر کشورها (در قالب ترور و مبارزات مسلحانه)، جلوگیری از ترویج و اشاعه فرهنگ انقلاب اسلامی ایران به کشورهای سنی مذهب و در نهایت قوام اسلام مورد نظر جنبش‌های سلفی (شکل‌گیری خلافت اسلامی)، مهمترین مولفه‌هایی است که دستاویز جنبش‌های سلفی‌گری در پاکستان قرار گرفته است. در کنار این موارد، برخی موارد دیگر همچون حضور امریکا در منطقه و تسلط فرهنگ غربی و ضعف فرهنگ اسلامی به همراه فقر اقتصادی را می‌توان عوامل تشدیدکننده فعالیت‌های سلفی‌گری قلمداد کرد. به همین سبب، نویسندگان از تئوری‌های تلفیقی چهارگانه مذکور استفاده کرده‌اند که در ذیل به بررسی هر کدام می‌پردازیم:

الف- نظریه تجدید حیات اسلامی خورشید احمد^۱

خورشید احمد تجربه جوامع مسلمان در دو قرن اخیر و رابطه میان مسلمانان و غرب را که در استعمار ریشه دارد، بستر مناسبی برای تبیین گسترش تجدید حیات طلبی اسلامی می‌داند. به نظر وی، ریشه‌های رستاخیز اسلامی معاصر را باید در میراث استعمار یا به عبارتی در آثاری که قدرت‌های استعماری در جوامع مسلمان به جا گذاشتند، جستجو کرد. تجدید حیات طلبی اسلامی معاصر، فرآیند استعمار و عملکرد آن در جهان اسلام است. نظریه خورشید احمد در ریشه‌یابی جنبش اسلامی تجدید حیات طلبی قرن اخیر مطرح شده و در صدد است تبیینی صحیح از خیزش سیاسی و فکری اسلامی گروه‌های اسلامی در جوامع مسلمان به دست دهد. با توجه به این نکته، تجدید حیات طلبی اسلامی پدیده‌ای است خاص دوران معاصر و محصول برخورد میان اسلام و غرب در دوران استعمار. بدین ترتیب رویارویی کنونی میان جنبش‌های اسلامی با دولت‌های موجود طرفدار غرب و یا با دولت‌های غربی را نمی‌توان پدیده‌ای نهفته در درون اندیشه اسلامی و دشمنی ذاتی اسلام با غرب دانست بلکه باید عکس‌العمل طبیعی مسلمانان در برابر تحقیر غرب و سوء رفتار آنان با دنیای اسلام در نظر گرفت (احمدی، ۱۳۷۷: ۶۲).

ب- نظریه ادواری هرایر دکمجیان^۲

دکمجیان تجربه تاریخی جوامع مسلمان، ویژگی‌های فکری اسلامی و اعتقادات مسلمانان را با استفاده از نظریات موجود متفکران سیاسی و جامعه‌شناسی غرب (نظیر ماکس وبر، دورکیم، مارکس و اریکسون) مورد تحلیل قرار می‌دهد و یک چارچوب مفهومی که به «نظریه ادواری» معروف شده است ارائه می‌دهد. وی رستاخیزی اسلامی معاصر را پدیده نوینی نمی‌داند، بلکه جلوه‌های معاصر جریانی تاریخی هستند که در طول دوران پس از ظهور اسلام در بخش‌های گوناگون جهان اسلام نمود پیدا کرده است. به عبارت دیگر، جنبش‌های فکری- سیاسی اسلامی پدیده‌ای دوره‌ای هستند که در دوران‌های خاص ظهور کرده و متحول شدند. وی با استفاده از دو مفهوم سقوط و رستاخیز چنین عنوان می‌کند که جنبش‌های رستاخیزی در تاریخ اسلام در واقع عکس‌العمل‌ها و پاسخ‌های مسلمانان به دوران‌های سقوط و انحطاط می‌باشد. یعنی در طول تاریخ جوامع مسلمان، در برابر هر سقوط و انحطاط، یک جنبش فکری یا سیاسی رستاخیزی به وقوع پیوسته است که هدف آن احیای مجدد دین اسلام بوده است. اعتقاد مسلمانان (به ویژه اهل سنت) به حدیث نبوی که می‌گوید: «در آغاز هر قرن فردی را خواهیم فرستاد تا دین ما را احیا کند»،

1. Khorshid. Ahmed

2. Richard Hrair Dekmejian.

انگیزه مهمی برای ظهور جنبش‌های فکری و سیاسی اسلامی در تاریخ ۱۵ قری اسلام می‌باشد (Dekmejian, 2013: 126).

ج- نظریه برخورد تمدن‌های ساموئل هانتینگتون^۱

هانتینگتون معتقد است که اسلام‌گرایی اخیر ریشه در نارضایتی مسلمانان از سلطه تهاجم بی‌رحمانه فرهنگ غربی بر کشورهای اسلامی دارد. به نظر وی، بدون شک یکی از دلایل مهم احیای دوباره اسلام، واکنش در برابر غرب است. البته نباید تاثیر مدرنیسم در عرصه‌های اجتماعی و اقتصادی را در این زمینه نادیده گرفت. بدون تردید از این نظر می‌توان بازگشت به اسلام را در حکم یک اعتراض فرهنگی قلمداد کرد. بنابراین بنیادگرایان مسلمان از این بابت نگران هستند که مبدا فرهنگ غرب تهدیدی برای آنها به حساب آید (هانتینگتون، ۱۳۸۰: ۳۷).

د- نظریه هوشنگ امیراحمدی

سلفی‌گری محصول جریان گسترده، هدایت شده و بلند مدتی هستند که یک سر آن به سیاست مهار دوگانه امریکا و محاصره همه جانبه ایران است و سر دیگر آن به منافع استراتژیک و اقتصادی برخی از کشورهای منطقه، به‌ویژه پاکستان است. نظریات فوق با توجه به اینکه دارای تشابهات و افتراقاتی هستند، هرکدام به تنهایی نمی‌تواند بیانگر رشد سلفی‌گری در پاکستان باشند (امیراحمدی، ۱۳۸۰: ۳۸) لذا به نظر می‌رسد یک دیدگاه تلفیقی بهتر بتواند تبیین‌گر عوامل گسترش سلفی‌گری در پاکستان باشد که در قالب نمودار زیر تبیین شده است (امیراحمدی، ۱۳۸۰: ۴۰).



1. Samuel Phillips Huntington.

تبیین مفاهیم دوگانه تهدیدات سخت و نرم

منظور از تهدیدات نرم را می‌توان تحولاتی دانست که موجب دگرگونی در هویت فرهنگی و الگوی رفتاری مورد قبول یک نظام سیاسی می‌شود. تهدید نرم، نوعی اعمال قدرت با روش نرم‌افزاری در ابعاد سه‌گانه حکومت، اقتصاد و فرهنگ است که از طریق تاثیر بر اندیشه و الگوهای رفتاری در این حوزه‌ها و جایگزینی الگوهای رفتاری بازیگر مهاجم محقق می‌شود. به این معنی که باور، اندیشه و زیرساخت‌های فکری نظام سیاسی مورد آماج، تغییر می‌کند و در نتیجه الگوی رفتاری آن کشور در محیط داخلی و خارجی دستخوش دگرگونی می‌شود (نائینی، ۱۳۸۸: ۱۲۱). بنابراین سه موضوع مرجع در تهدیدات نرم قابل شناسایی است، این موضوعات مرجع شامل حاکمیت ملی، انسجام سیاسی- اجتماعی و هویت ملی می‌شوند.

حاکمیت ملی

محور بنیادی در حاکمیت ملی، ایده حاکمیت یا ایدئولوژی دولت است که اصول و عقاید اساسی و منطبق عمل یک رژیم محسوب می‌شود. بنابراین ایده حاکمیت در واقع مبانی، اصول و قواعد تشکیل‌دهنده و دکترین نظام سیاسی مستقر در یک کشور است، به طور مثال ایده حاکمیت جمهوری اسلامی ایران "اسلام ناب محمدی (ص)" است که ولایت فقیه قلب و مرکز آن قرار دارد (عبدالله خانی، ۱۳۸۸: ۵۵).

هویت ملی

هویت ملی خود یکی از سطوح هویت در کنار هویت‌های فردی و اجتماعی و یک کل سیاسی- اجتماعی است که حداقل در یک واحد سرزمینی حضور داشته و به موجودیت آن سرزمین معنا می‌دهد. هویت ملی از دین، مذهب، عقاید سیاسی- فکری، فرهنگ، زبان، نژاد، سرزمین، آرمان‌ها و شخصیت‌های نامدار ساخته می‌شود. به معنای دیگر در ساخت آن می‌توان نه ترکیبی از همه این موارد یا برخی از آنها وجود داشته باشد و هویت ایران عبارت است از: ایرانی بودن، مسلمان بودن و انقلابی بودن برای ج.ا.ایران.

انسجام سیاسی - اجتماعی

سومین هدف مرجع انسجام سیاسی- اجتماعی است. این هدف مرجع را می‌توان به یکپارچگی، وحدت و وفاق میان احاد ملت و نظام سیاسی معنی کرد. براین اساس انسجام سیاسی- اجتماعی به

معنای کل یکپارچه سیاسی- اجتماعی مستقر در درون سرزمینی است که اجزای آن با یکدیگر به صورت حقیقی ترکیب شده‌اند، به گونه‌ای که منافع، اهداف، خواسته‌ها و مسائل اصلی آنان مشترک، اقدامات و فعالیت‌شان مکمل یک دیگر است. انسجام ملی عبارت است از احاد مردم یک کشور، اعم از اشخاص، جناح‌ها، گروه‌های روشنفکر، سیاستمداران و مسئولان که از هرگونه کشمکش و ایجاد تفرقه داخلی و نفاق دورند و مانع نفوذ دشمن به داخل مرزهای خود می‌شوند، هرچند ممکن است این جماعت از نظر اعتقادی و مذهبی یا گرایش‌های فکری متفاوت باشند. حفظ وحدت و وفاق میان جامعه و دولت از ارزش‌های اساسی در نظام جمهوری اسلامی است، به نحوی که در قانون اساسی ایران در بندهای ۱۰۰، ۱۵، ۱۳، ۱۲، ۹، ۲ بدان اشاره شده است و منظور از وحدت و همبستگی میزان همفکری، همدلی، همگامی و همبختی مشترک بازیگران متعامل ایرانی در موضوعات گوناگون است (عبدالله خانی، ۱۳۸۹: ۲۹).

تهدیدات سخت

هرگاه امنیت، منافع و ارزش‌های حیاتی کشور یا گروهی در معرض خطر هجوم نظامی کشور دیگر یا اتحادی از کشورهای خارجی قرار گیرد، تهدید سخت شکل می‌گیرد که هدف آن اشغال یا تخریب علیه سرزمین یا نظام سیاسی است (مرادی، ۱۳۸۸: ۲۸). تهدیدات سخت بیشتر با زور و اجبار سر و کار دارند، تهدیدگر طرف مقابل را وادار به انجام کاری کرده یا او را از انجام آن نهي می‌کند. حوزه عمل تهدیدات سخت بیشتر نظامی، انتظامی و عملیاتی پنهان است. بنابراین دو موضوع مرجع در تهدیدات سخت قابل شناسایی است، این موضوعات مرجع شامل بقای دولت و فیزیک دولت می‌شوند.

* هدف مرجع بقای دولت به معنای موجودیت کل یکپارچه و به بیان دیگر، مسئله مرگ و زندگی دولت است. بنابراین تهدیداتی که به صورت خطرناک موجودیت آن را به مخاطره می‌اندازند، تهدیدات معطوف به بقای دولت معرفی می‌شوند. به تحقیق، این هدف مرجع مهمترین و بنیادین‌ترین هدف در تهدیدات امنیتی است و تهدیداتی که موجودیت آن را به خطر اندازند، خطرناک‌ترین و سهمگین‌ترین تهدیدات می‌باشد زیرا این هدف مرجع در واقع متشکل از تمامی اهداف مرجع دیگر در بخش اهداف مرجع مبتنی بر موضوعات و شاخصه‌ها است.

* هدف مرجع فیزیک دولت را می‌توان به زیرساخت‌های حیاتی، دارایی‌های کلیدی و فضای حیاتی عمومی و حکومتی یک کشور معنا کرد. زیرساخت‌ها و دارایی‌های عمومی به معنای مواردی است که مدیریت عالی آن در اختیار دولت و منابع، درآمدها یا خدمات آن متعلق به احاد

ملت است. در این راستا زیرساخت‌های ارتباطی، حمل و نقل، انرژی و دارایی‌های کلیدی در حوزه حکومتی و عمومی ج.ا. ایران هستند. بنابراین، هرگونه تهدیدی که آماج هدف مذکور باشد به‌عنوان تهدیدی علیه امنیت ملی تلقی می‌شود (عبدالله خانی، ۱۳۸۶: ۱۲۸). در شکل زیر اهداف مرجع در تهدیدات امنیتی نرم و سخت ترسیم شده‌اند.



گروه‌های اسلامی پاکستان (دیوبندی، سلفی)

با نگاهی به سازمان‌های و گروه‌های اسلام‌گرا در درون صحنه سیاسی پاکستان دو دسته گروه اسلامی قابل تمایزند. دسته اول گروه‌ها و احزاب مذهبی رسمی می‌باشند که معتقد به اطلاع از طریق سازوکارهای دموکراتیک و قانونی بوده و اهداف و آرمان‌های خود را به شیوه‌های مسالمت‌آمیز دنبال می‌کنند و کمتر به خشونت روی می‌آورند. از احزاب و گروه‌های این دسته می‌توان به جماعت اسلامی، جمعیت علمای اسلامی، جمعیت اهل حدیث و جنبش تحریک فقه جعفری اشاره کرد. دسته دوم از اوایل دهه ۱۹۸۰ به بعد، دسته دیگری از جریان‌ها و گروه‌های مدعی اسلام سیاسی که ریشه در سلفیت و مکتب دیوبندی دارند، در پاکستان رویدند که می‌توان آنها را گروه‌های ستیزه‌جو نام نهاد. این گروه‌های تندرو بر خلاف گروه‌های مذهبی رسمی، ساز و کارهای قانونی و مشارکت در نظام سیاسی را برای اهداف ایدئولوژی خود مناسب نمی‌دانند و تنها راه رسیدن به آرمان‌های خود را جهاد خشونت‌بار می‌دانند. این جریان‌ها را می‌توان به احاط کارکردی به جریان‌های درون مرزی و برون مرزی تقسیم کرد (عبدالله خانی، ۱۳۹۰: ۱۷) که عبارت‌اند از:

تحریک نفاذ شریعت محمدی

تحریک نفاذ شریعت محمدی یا نهضت اجرای شریعت محمدی به عنوان گروه افراطی سنی

توسط مولانا "صوفی محمد" که پیرو مکتب وهابی و از اعضای فعال جماعت اسلامی بود در سال ۱۹۹۲ تأسیس شد (محمودی، ۱۳۸۸: ۱۷). این گروه معتقد است که هر کسی تحت هر عنوانی مخالف اجرای قانون شریعت - البته طبق برداشت خود آن‌ها- باشد قتل او واجب می‌باشد. در همین راستا اعضای این گروه برای اجرای قوانین اسلامی در پایگاه خود در ملاکنده^۱ واقع در شمال غربی پاکستان، به خشونت روی آورده است. در اواخر اکتبر ۲۰۰۵ صوفی محمد به همراه هزاران نفر از طرفداران خود جهت کمک به طالبان در جنگ با امریکا و نیروهای ائتلاف به سمت افغانستان حرکت کرد اما بعد از سقوط طالبان به پاکستان بازگشت و توسط مقامات کشور دستگیر شد. از زمان حضور مولانا صوفی محمد در زندان، داماد او مولانا "فضل الله" رهبری نهضت اجرای شریعت محمدی را عهده‌دار می‌باشد. او با تأسیس ایستگاه رادیویی به ترویج عقاید و دیدگاه‌های افراطی خود در خصوص اجرای خشن دستورات شریعت، تعطیلی مدارس دخترانه، بسیج نیروها برای کمک به طالبان در افغانستان و... می‌پردازد اما در ۲۱ آوریل ۲۰۰۸ دولت مولانا صوفی محمد را آزاد کرده و عمده‌ترین مکان عملیاتی این گروه در سوات و ملاکنده می‌باشد (محمودی، ۱۳۸۸: ۲۱).

جیش‌العدل

یکی از گروه شبه‌نظامی تروریستی تندروی سلفی مذهب و بلوچ هستند که با کشورمان به مبارزه مسلحانه می‌پردازد. این گروه بعد از نابودی گروهک تروریستی جندا...، با سازماندهی مجدد نفرات آن، شروع به فعالیت و اعلام موجودی کرد. رهبری این گروه را «عبدالرحیم ملازاده» ملقب به «صلاح‌الدین فاروقی» فردی از اهالی راسک به عهده دارد. این گروه هم‌اکنون به یکی از مهمترین گروه‌های تروریستی در پاکستان تبدیل شده و مورد توجه وهابیون سعودی و امریکایی‌ها قرار گرفته است (حاجی ناصری و دیگران، ۱۳۹۴: ۵۶). گروهک جیش‌العدل، با آموزه‌های سلفی و باورهای وهابی خود از جمله حامیان سلفی‌های فعال در بحران سوریه بوده و یکی از دلایل اقدامات خود علیه جمهوری اسلامی را حمایت از تکفیری‌های سوری و معارض دولت سوریه اعلام کرده است. در مجموع افراط‌گرایان در پاکستان، با بهره‌گیری از همه امکانات سلبی و ایجابی خود که بعضاً عربستان سعودی هم در فراهم آوردن این امکانات علیه ایران نقش مهمی را برعهده دارد، تلاش می‌کنند به هر میزان ممکن فضای تنفسی شیعه و ج.ا.ایران در آن کشور را محدود سازند. به طور طبیعی مجموع اقداماتی که از سوی افراط‌گرایان در پاکستان علیه شیعیان آن کشور و همچنین اتباع و منافع جمهوری اسلامی ایران صورت می‌گیرد بر روابط دو

1. Malakand.

کشور تاثیر می‌گذارد (حریری، ۱۳۹۲: ۱).

سپاه صحابه

پس از تأسیس «حزب تحریک فقه جعفری» به عنوان سازمان مدافع حقوق شیعیان پاکستان، سرویس اطلاعاتی پاکستان با حمایت امریکا، عربستان و عراق زمان صدام گروهی از مسلمانان مهاجر دیوبندی را به مبارزه علیه فعالیت‌های محریک فقه جعفری تشویق کرد (نجفی سیار، ۱۳۹۲: ۱۷۸). به دنبال این عمل و در واکنش به تشکیل حزب تحریک فقه جعفری و گسترش نفوذ جمهوری اسلامی ایران در پاکستان در ششم سپتامبر ۱۹۸۵ سپاه صحابه به دست «حق نواز جنگوی» در شهر «جنگ» از توابع ایالت پنجاب بنیانگذاری شد. حق‌نواز جنگوی قبلاً عضو جمعیت علمای اسلام بود. او فردی مذهبی، متعصب و شدیداً ضد شیعه شناخته شده بود. انگیزه اصلی او از تأسیس سپاه صحابه بنا بر اظهارات خود او و سایر رهبران این گروه، مقابله با نفوذ ایران در پاکستان و جلوگیری از رشد تشیع سیاسی در این کشور بوده است. مولانا «ضیاء الرحمن فاروقی»، سرپرست پیشین سپاه صحابه، درباره اهداف تأسیس سپاه صحابه چنین می‌گوید: «مولانا حق‌نواز شهید به منظور جلوگیری از موج فزاینده خصومت با صحابه کرام و پس از اعلام تکفیر خلفای راشدین توسط رهبری کشور همسایه، سپاه صحابه را در تاریخ ششم سپتامبر ۱۹۸۵ در شهر جنگ پایه‌گذاری نمود» (عارفی، ۱۳۸۰: ۲۷۳). سپاه صحابه در هر چهار ایالت پاکستان رسوخ کرده است و به عنوان یکی از قوی‌ترین گروه‌های افراطی پاکستان شناخته می‌شود. این گروه موفق به تأسیس ۵۰۰ دفتر و شعبه در تمام ۳۴ ناحیه پنجاب شد و حدود هزار کارگر استخدامی در پاکستان دارد و ۱۷ شعبه در کشورهای خارجی همچون امارات عربی، عربستان، کانادا و انگلستان دایر کرده است (غفوری و دادوند، ۱۳۹۳: ۹۶) باورها و عقاید این گروه در بستر باورهای سلفی رشد کرده است و جزء پیروان مکتب دیوبندی به شمار می‌رود. این گروه از افراطی‌ترین گروه‌های مذهبی در این کشور است و همه یا عمده فعالیت‌های آن بر محور ضدیت با شیعه می‌باشد و یکی از اهداف مهم خود را مبارزه با عزاداری امام حسین و در واقع تخطئه قیام آن حضرت می‌دانست (میرزایی، ۱۳۹۲: ۱۸۸). همچنین، سپاه صحابه آغازگر درگیری‌های فرقه‌ای در پاکستان شناخته می‌شود. از نظر این گروه مهم‌ترین وظیفه یک عضو سپاه صحابه مبارزه با شیعه است. به همین دلیل تا به حال صدها تن از شیعیان را در شهرهای مختلف پاکستان به قتل رسانده است. در اوایل، حملات تروریستی این حزب بیشتر متوجه اعضای «نهضت جعفری» بود، اما در سال‌های اخیر، سیاستمداران، حقوقدانان، بازرگانان، کارمندان و مدیران دولتی شیعه‌مذهب را نیز آماج حملات تروریستی خود قرار داده است. سپاه صحابه از

لحاظ سیاسی طرفدار روی کار آمدن دولت سنی در پاکستان بوده و این موضوع را همیشه در بیانات رسمی خود اظهار داشته است. «اعظم طارق» رهبر کنونی این گروه می‌گوید: «در پاکستان با توجه به اکثریت جمعیت باید حکومتی سنی به وجود آید، همان‌طوری که در ایران با توجه به اکثریت شیعه حکومت شیعی رسمیت پیدا کرده است». سپاه صحابه، آن‌طوری که گفته می‌شود، از سوی برخی کشورهای عربی به ویژه عربستان حمایت مالی می‌شود (عارفی، ۱۳۸۰: ۲۷۴). در خصوص عمده‌ترین اقدام‌های تروریستی صورت گرفته توسط این گروه می‌توان به ترور «صادق گنجی»، سرکنسول ایران در لاهور در تلافی مرگ جهنگوی در دسامبر سال ۱۹۹۰ اشاره کرد. همچنین افراطی‌های سپاه صحابه در ژانویه سال ۱۹۹۷ به مرکز فرهنگی ایران در لاهور حمله کردند و نیز هفت دیپلمات ایرانی در مولتان را به شهادت رساندند (میرزایی، ۱۳۹۲: ۱۷۸-۱۷۹).

لشکر جهنگوی

در دهه ۱۹۹۰ میلادی سه تن از اعضای برجسته سپاه صحابه پاکستان به نام‌های «ریاض بسرا»، «اکرام لاهوری» و «مالک» گروه تروریستی لشکر جهنگوی را تاسیس کردند. این گروه نام خود را از حق نواز جهنگوی، مؤسس سپاه صحابه برگرفته است (محمدی و احمدی، ۱۳۹۴: ۱۴۸). افراد این گروه مسلح‌اند و فعالیت‌هایشان فرقه‌گرایانه است و تشکیلات مستقل مختلفی در پاکستان دارند که هر یک جداگانه عمل می‌کنند و ارتباطی با قسمت‌های دیگر ندارند. افراد این گروه نه تنها در اقدامات خشونت‌آمیز داخل پاکستان دخالت دارند بلکه در افغانستان و کشمیر نیز در کنار طالبان سرگرم مبارزه‌اند. لشکر جهنگوی اساساً گروه تکفیری و دارای ایدئولوژی سلفی و احساسات ضد شیعی است، بدین معنا هر فرد و گروهی که نگرشی متفاوت با نگرش این گروه به اسلام داشته باشد «کافر» می‌پندارد. این تفکر باعث شد که اعضای این گروه به‌راحتی قتل‌عام مخالفانشان به ویژه شیعیان را برای خود توجیه کنند. به باور آنان شیعیان کافرند و سه راه بیشتر ندارد؛ ۱- یا دست از مذهب خود بردارند و مسلمان شوند؛ ۲- یا ماهیانه مبلغی ثابت جزیه بپردازند؛ ۳- یا از محل سکونتشان کوچ کنند (میرزایی، ۱۳۹۲: ۱۸۴). لشکر جهنگوی اهداف خود را بدین شرح اعلام داشته‌اند: «ایجاد پاکستانی سنی مذهب، ترویج و اعلام نامسلمانی شیعیان و از این میان برداشتن پیروان دیگر ادیان به خصوص یهودیان، مسیحیان و هندوها» (غفوری، ۱۳۹۳: ۹۶). گروه سلفی امروزه به‌عنوان «اسب تراوای جدید القاعده» برای انجام عملیات تروریستی معرفی شده است و بنا به گفته «رحمان ملک»، وزیر کشور پاکستان، ۸۰ درصد اقدامات تروریستی در مناطق مختلف پاکستان توسط عناصر افراط‌گرا و تندروی گروه لشکر جهنگوی انجام می‌شود (نجفی سیار، ۱۳۹۲: ۲۷).

گستاخی رهبران سپاه صحابه تا حدی است که در سخنرانی‌های عمومی خود و در حضور مقام‌های دولتی، مردم را به کشتن شیعیان دعوت می‌کنند. عقبه فکری و پشتیبانی گروه‌های تکفیری - سلفی جهان اسلام از جمله گروه سپاه صحابه در عربستان سعودی است (میرزایی، ۱۳۹۲: ۱۹۴).

تحریک طالبان پاکستان

گروهی شبه‌نظامی افراطی به رهبری «بیت الله محسود» در مناطق قبیله‌ای خودمختار پاکستان است که حکومتی خودمختار و موازی حکومت مرکزی در این مناطق به وجود آورده‌اند (نجفی سیار، ۱۳۹۲: ۱۲۱). بر اساس برخی تخمین‌ها طالبان پاکستان به طور کلی حدود ۳۰۰۰۰ تا ۳۵۰۰۰ عضو دارد. در میان اهداف اعلام شده آنها جهاد دفاعی علیه ارتش پاکستان، اجرای شریعت محمدی و حرکت به سمت اتحاد علیه نیروهای ناتو مستقر در افغانستان هم به چشم می‌خورد. پس از کشته شدن مسعود به وسیله حملات هوایی امریکا، حکیم‌الله معاون وی به رهبری این گروه شبه نظامی رسیده که هدف اصلی جنبش خود را ایجاد امارت پشتون طالبان در پاکستان و جهاد جهانی علیه کفر اعلام کرد و در سال ۲۰۱۰ میلادی به وسیله هواپیماهای بدون سرنشین امریکا کشته شد و یکی از چهره‌های ارشد طالبان پاکستانی به نام «ملاطوفان» را به رهبری انتخاب کردند (احمدی، ۱۳۹۱: ۳۱). از جمله اقدامات طالبان پاکستان در منطقه وزیرستان اعلام ممنوعیت فروش سی دی و فیلم، اخذ مالیات از کالاهایی که از منطقه مذکور عبور می‌کردند و تاسیس دادگاه اسلامی به سبک طالبان است و نسل جوان طالبان مانند نسل گذشته، تلویزیون و تجمل‌گرایی را غیر اسلامی می‌دانند و با آنها مبارزه می‌کنند. داشتن ریش بلند برای مردان و پوشینه برای زنان در این مناطق اجباری است. همچنین بیش از صد نفر از حامیان دولت پاکستان و موافقان اشغال افغانستان را در منطقه تحت کنترل مسعود که از آن به عنوان «طالبانستان» نام برده می‌شود، گردن زده شدند (نجفی سیار، ۱۳۹۲: ۱۲۱). منابع مالی طالبان از طریق القاعده، جمع‌آوری مالیات از مردم، آدم‌ربایی و دزدیدن کامیون‌های ناتو، کمک‌های کشورهای حوزه خلیج فارس از جمله عربستان، کویت، امارات و قاجاق مواد مخدر به دست می‌آید (نجفی سیار، ۱۳۹۲: ۳۲).

جیش محمد

این جنبش در ۳۱ ژانویه ۲۰۰۰ توسط مولانا «مسعود اظهر» در کراچی به وجود آمد؛ یک گروه تندرو نسبتاً جدیدی است که ارتباط تنگاتنگی با لشکر طیبه دارد و به عنوان بخشی از شبکه تروریست‌های اسلامی افراطی حضور فعالی در خشونت‌های تروریستی در کشمیر و جامو دارد. طبق

برخی گزارش‌ها، جیش محمد با طالبان و القاعده و بن‌لادن ارتباط نزدیکی داشته و در مکان‌های مختلف با رهبران آنها ملاقات کرده است. همچنین این گروه روابط نزدیکی با گروه‌های تروریستی سنی در پاکستان مانند لشکر جهنگوی و سپاه صحابه پاکستان دارد (نجفی سیار، ۱۳۹۲: ۱۲۰).

اهل حدیث

اهل حدیث طیف گسترده‌ای از عقاید را در درون خود پوشش می‌دهند. برخی جهاد نظامی را واجب عینی دانسته‌اند و برخی آن را در حال حاضر خلاف شرع می‌دانند. مدارس مذهبی اهل حدیث کاملاً تحت نفوذ عربستان بوده و بخش قابل توجهی از طلاب این مدارس غیرپاکستانی‌اند. پیروان اهل حدیث تا حال ۱۷ سازمان و حزب و گروه تشکیل دادند که هر کدام در یکی از شاخه‌های سیاسی، سیاسی مذهبی، تبلیغی مذهبی، تبلیغی فرقه‌ای، جهادی، تبلیغی، آموزشی و فرقه‌ای فعالیت می‌کنند. این جریان به دنبال راهپیمایی‌ها و تظاهرات سیاسی شیعیان در ایام حج در مکه و مدینه، گروهی را تحت عنوان «جنبش تحفظ حرمین شریفین» برای مقابله با اقدامات شیعیان در شهرهای یاد شده، ایجاد کردند. اهل حدیث در درگیری‌های فرقه‌ای کمتر دخالت می‌کنند ولی در مناقشات و درگیری‌های فرقه‌ای علیه شیعیان و بیلوی‌ها از خواسته‌های سپاه صحابه و دیگر افراطیون مبنی بر کافرخواندن شیعیان حمایت می‌کنند. گروه‌های جهادی اهل حدیث نظیر شکر طیبه و تحریک‌المجاهدین کاملاً افراطی بوده و در عقاید و رفتار خود متعصب هستند (شقیعی، ۱۳۸۹: ۱۸).

ردیف	گروه‌ها و طیف‌ها	مکتب فکری	بنیانگذار	اهداف	جغرافیای نفوذ	رویکردها	پیوندهای درون شبکه‌ای
۱	تحریک نفاذ شریعت	سلفی	مولانا صوفی محمد	اجرای شریعت طالبانی	دره سولت	ضد آمریکا، یی، ضد ناتو و ضد دولتی	همکاری با طالبان افغانستان و القاعده
۲	سپاه صحابه	دیوبندی	حق‌نواز جهنگوی	جلوگیری از رشد تشیع	پنجاب و سایر ایالات	ضددولتی و ضد شیعی	همکاری با طالبان پاکستان و لشکر جهنگوی
۳	لشکر جهنگوی	سلفی	ریاض بسرا	فرق‌گرایی و تاسیس حکومت فرقه‌گرا	سراسر پاکستان	ضد شیعی و درون مرزی	ارتباط با طالبان افغانستان و القاعده
۴	لشکر طیبه	سلفی	حافظ محمد سعید	آزادسازی کشمیر از هند	پنجاب و کشمیر	ضد هندی، ضد آمریکا، یی	پیوند با القاعده و گروه مجاهد هند

همکاری عملیاتی با القاعده و لشکر جهنگوی	ضددولتی و فرقه گرایی	مناطق خودمختار فتا	جهاد دفاعی و ایجاد امارت مبتنی بر شریعت	بیت الله مسعود	سلفی دیوبندی	تحریک طالبان پاکستان	۵
همکاری با لشکر جهنگوی و سپاه صحابه	ضد آمریکا، یی، د هندی و ضددولتی	کراچی و کشمیر	استقلال کشمیر و تضعیف دولت هند	مولانا مسعود اظهر	سلفی دیوبندی	جنبش محمد	۶

جدول ۱- سلفیسم پاکستان در یک نگاه کلی

تهدیدات نرم گروه‌های سلفی پاکستان بر امنیت جمهوری اسلامی ایران

تهدیدات گروه‌های سلفی پاکستان بر هویت ملی جمهوری اسلامی ایران

هویت نظام ج.ا. ایران، نرم‌افزار اصلی و به لحاظ نظری مهم‌ترین پایه یا حیاتی‌ترین جزء امنیت ملی آن است که از قضا در بعد بیرونی نیز مهم‌ترین عامل اثرگذار و متقاعدکننده افکار عمومی و الگودهی به جریان‌گرا محسوب می‌شود. سلفی‌گری با ارائه تصویری منفی از انقلاب اسلامی ایران به عنوان «بزرگترین فتنه پس از استعمار غرب» مدعی هستند که آیات شریفه‌ای همچون «و قاتلوهم حتی لا تکنونه فتنه» تکلیف انقلاب ایران و شیعیان را روشن کرده است. مکتب دیوبندی و مکتب وهابیت در پاکستان با قائل به انحرافی بودن تشیع، سعی کرده موقعیت خود را در پاکستان و کشورهای اسلامی مستحکم ساخته و کسانی را که اسلام را اساس وحدت می‌دانستند از گرایش به سوی جمهوری اسلامی ایران باز دارند و از سوی دیگر خود را به عنوان عنصر اصلی و متحدکننده و انسجام‌بخش معرفی کنند (سید نژاد، الف، ۱۳۸۹: ۱۶۴). گروه‌های سلفی موجود در پاکستان با بهره‌گیری از مکتب دیوبندی و وهابی با تعریف هویت شیعه و ایران به عنوان هویت غیرخودی، هویت آنها را بزرگترین فتنه معاصر تلقی می‌کنند و با معرفی کردن هویت شیعه به عنوان دشمن اصلی هویت سلفی‌گری باعث تقویت سرشت ستیزه‌گری علیه شیعیان پاکستان و قتل عام آنها شده است. گرایش‌ها ضد انقلاب اسلامی در میان این گروه‌های اسلام‌گرای افراطی افزایش یافته است. این‌گونه عملکردها و اندیشه‌های افراطی ضدشیعی گروه‌های سلفی پاکستان، ناخواسته ج.ا. ایران «پدر خوانده شیعیان جهان» را به مبارزه می‌طلبد و اگر ایران در مقابل این عملکردها واپس‌گرایانه و ضد شیعی گروه‌های سلفی پاکستان هیچ اقدامی نکند، وجهه هویت شیعی خود را بین شیعیان جهان و شیعیان پاکستان از دست می‌دهد (حسینی، ۱۳۷۹: ۲۶۹).

تهدیدات گروه‌های سلفی‌گری پاکستان علیه حاکمیت ملی جمهوری اسلامی ایران

محور بنیادی در حاکمیت ملی، ایده حاکمیت یا ایدئولوژی دولت است که اصول و عقاید اساسی و منطبق عمل یک رژیم محسوب می‌شود. بنابراین ایده حاکمیت در واقع مبانی، اصول و قواعد تشکیل‌دهنده و دکترین نظام سیاسی مستقر در یک کشور است و ایده حاکمیت ج.ا.ایران «اسلام ناب محمدی (ص)» است که ولایت فقیه قلب و مرکز آن قرار دارد. مهمترین منزلت جمهوری اسلامی ایران در منطقه، مقام و منزلت ایدئولوژیک آن در بین مسلمانان و حتی غیرمسلمانان است. این جایگاه مثبت از مهمترین رهاوردهای انقلاب اسلامی است که دست کم از جنبه معنوی به امت اسلامی وحدت سیاسی می‌بخشد. به طور حتم تداوم منزلت ایدئولوژی و ارتقای آن منوط بر تضعیف شکاف‌های «سنی-شیعه» و «عرب-عجم» در برابر تضاد «اسلام-غرب» و «اسلام-صهیونیسم» است، ولی گروه سلفی در پاکستان با افکار فرقه‌ای خود، با معکوس کردن معادله فوق این منزلت معنوی را مخدوش کرده و با دست‌آویزهای مذهبی، همزیستی میان شیعه و سنی را به شدت به مخاطره می‌اندازد و شکاف سنی - شیعه را در برابر شکاف اسلام و غرب تقویت می‌کند. از این منظر رویکرد گروه‌های سلفی‌گری در پاکستان در تلاقی با جهت‌گیری قدرت‌های غربی - صهیونیستی قرار می‌گیرد که به جای خط مشی «وحدت‌گرایانه» اختلاف و واگرایی را توسعه داد (کشاورز، ۱۳۹۱: ۱۴۹).

انقلاب اسلامی ایران با مبانی فقهی با مبانی فقهی - کلامی خود توانست حکومتی بر پایه اصل ولایت فقیه بنا نهد که در این حکومت شأن و جایگاه انتصاب الهی و مشروعیت مردمی هر دو لحاظ شده‌اند، ولی در مقابل گروه‌های سلفی پاکستان با مبانی بسیار ضعیف فقهی و کلامی خواستار حکومتی سنی بر اساس مدل خلافت در پاکستان هستند. شیوه‌های تصدی خلافت در اندیشه اهل سنت سه تئوری عمده را به وجود آورده است (تغلب، حل و عقد، انتصاب)، تئوری تغلب که اساس آن برای رسیدن به خلافت از راه زور و چیرگی قرار دارد، نسبت به سایر تئوری‌ها مقبولیت دارد و گروه‌های سلفی پاکستان برای برقراری خلافت و حکومت سنی در پاکستان از زور و غلبه استفاده می‌کنند. مسئله تغلب با اصل "شورا" که یکی از بنیادهای اساسی جمهوری اسلامی ایران است تعارض دارد و از این رو مواجه تفسیر «متجددانه دین» با «تفسیر واپس‌گرایانه دین» مشکل عظیمی در حوزه اندیشه‌های سیاسی اسلام به وجود می‌آورد که این به تضعیف نظریه حکومتی ولایت فقیه کمک می‌کند. از حیث سیاسی و ایدئولوژی نیز ایجاد یک الگوی رادیکال از اسلام که هیچ سنخیتی با نمود ایرانی ندارد، می‌تواند تهدیدی برای آموزه‌های متعالی اسلام و تضعیف جایگاه سیاسی آن در سطح جهان باشد که به هیچ وجه با سیاست‌های ج.ا.ایران

و منافع این کشور همسویی ندارد (حسینی، ۱۳۷۹: ۲۶۵).

تهدید ایده دولت در جمهوری اسلامی ایران، یعنی اسلام و تشیع به مثابه مکتب، تهدید وجودی آن به شمار می‌رود، زیرا با گرفتن این ویژگی از ج.ا.ایران تفاوتی با سایر نظام‌های سیاسی دنیا ندارد. در دکتترین ج.ا.ایران، اسلام‌محوری از مهمترین مولفه قدرت نرم است. آنگاه که هویت اسلامی با درر نمای شیعی مبنای نظام سیاسی در ایران شد، حساسیت بسیاری از دولت‌ها و گرایش‌های سیاسی و مذهبی را برانگیخت. در عین حال، انقلاب اسلامی ایران از بدو ظهور، راهبرد تقریب مذاهب اسلامی و آرمان شکل‌گیری امت واحد اسلامی را در قبال جهان اسلام اتخاذ کرده است. این ماهیت اسلامی انقلاب به مرور زمان از چنان اهمیتی برخوردار شد که امروز مهمترین منبع نفوذ و تجهیز ایدئولوژیک آن در جهان اسلام است. جریان‌های سلفی‌گری در چهار چوب فرقه‌گرایی خود بنیاد «اسلام محوری» ایران را به «شیعه‌هراسی» تقلیل داده‌اند. تداوم این رویکرد در عمل موجب برهم خوردن تثبیت هویت اسلامی می‌شود که بعد از انقلاب در منطقه شکل گرفته است و انقلاب اسلامی ایران سردمدار آن بوده است؛ بنابراین این جریان با هدف قراردادن هویت اسلامی به عنوان نرم افزار اصلی انقلاب اسلامی علاوه بر اینکه مرزهای هویتی آن را نزد مسلمانان تخطئه نموده؛ از ج.ا.ایران مشروعیت‌زدایی و اعتبارزدایی می‌کند و مانع بروز کارکرد گفتمان انقلاب اسلامی در انسجام‌بخشی به امت اسلامی می‌شود (سید نژاد، ب، ۱۳۸۹: ۴۷).

تهدیدات گروه‌های سلفی بر انسجام سیاسی - اجتماعی جمهوری اسلامی ایران

انسجام سیاسی - اجتماعی (انسجام ملی) عبارت است از آحاد مردم یک کشور، اعم از اشخاص، جناح‌ها، گروه‌های روشنفکر، سیاستمداران و مسئولان که از هرگونه کشمکش و ایجاد تفرقه داخلی و نفاق دورند و مانع نفوذ دشمن به داخل مرزهای خود می‌شوند، هر چند ممکن است این جماعت از نظر اعتقادی و مذهبی یا گرایش‌های فکری متفاوت باشند. در ج.ا.ایران آزادی، استقلال، وحدت و تمامیت ارضی از یک دیگر تفکیک ناپذیرند. وحدت ملی مبنا و اساس حفظ امنیت، ثبات سیاسی و توسعه جامعه است. در ج.ا.ایران پایه انسجام سیاسی - اجتماعی، دین اسلام است. دین به واسطه توافقی که بین انسان‌ها ایجاد می‌کند نوعی نظم و هماهنگی را ایجاد به وجود می‌آورد اما فرقه‌گرایی مذهبی یکی از عواملی است که مانع بروز کارکرد انسجام‌بخش دین می‌شود. در صورتی که فرقه‌گرایی مذهبی گروه‌های سلفی پاکستان ضد کارکرد انسجام‌بخش دین است و بر وجه تمایز هویت مذهبی خود با سایر فرقه‌های مذهبی تاکید می‌ورزد و به داخل مرزهای ایران که مذهب یکی از مهم‌ترین ارکان تشکیل دهنده هویت ملی است، کشیده شود،

می‌تواند آسیب‌ها و ضربات جبران‌ناپذیری بر هویت ملی جامعه و از آن طریق بر وحدت و انسجام ملی وارد کند (جهانی، ۱۳۹۲: ۳۲). بنابراین حضور گروه‌های سلفی با گرایش‌های فرقه‌گرایانه قوی نشأت گرفته از اندیشه‌های دیوبندی و وهابی به عنوان یکی از دشمنان ایدئولوژی شیعه و جمهوری اسلامی ایران در کنار مرزهای ایران با تنوع قومی - فرقه‌ای تهدیدات اجتماعی - سیاسی را علیه انسجام ملی (سیاسی - اجتماعی) جمهوری اسلامی ایران به همراه دارد که عبارت‌اند از:

الف- تاثیرپذیری اهل سنت ایران از گروه‌های سلفی پاکستان و احیای ناسیونالیسم بلوچ

تاثیرپذیری مردم بلوچستان از فرهنگ بلوچستان پاکستان (فرهنگ سلفی‌گری) با تحرکات و القاءات فرامرزی موجب کمرنگ‌شدن روحیه ملی و کاهش اقتدار مرکزی شده و زمینه‌های آن رو به گسترش است. به‌طور مثال، اگر تا قبل از پیروزی انقلاب اسلامی ایران پوشیدن لباس محلی بلوچ نوعی ارتجاع و عقب‌ماندگی محسوب می‌شد، اکنون این اقدام نه تنها رایج، بلکه به یک ارزش اجتماعی تبدیل شده است. در حال حاضر با تبلیغات وسیع خارج از مرز (از سوی عربستان امارات، عمان) و همچنین کم‌توجهی حاکمیت، زمینه گرایش به فرهنگ آن‌سوی مرزها روبه افزایش است (پیشگاهی فرد و قدسی، ۱۳۸۷: ۹۴). با نفوذ معنوی انقلاب اسلامی ایران در پاکستان و کشورهای عربی، این کشورها نیز به تحریک اقلیت سنی ایران در مرزهای شرقی و غربی پرداختند و نفوذ عربستان و پاکستان بر اهل سنت ایران در سال‌های اخیر گسترش یافته است، به‌طوری که دانشگاه‌های مذهبی و غیرمذهبی عربستان سالیانه، تعداد قابل توجهی بورسیه در اختیار دانشجویان اهل سنت ایران می‌گذارند. پاکستان به دلیل هم‌جواری با استان سیستان بلوچستان ایران و پیوندهای فرهنگی و ریشه بلوچ‌های دو کشور و با تقویت گروه‌های مذهبی اهل سنت ایران و رشد گروه‌های افراطی در مرزهای کشور و آموزش مذهبی و عملیاتی آن‌ها در خاک خود باعث شده تا این موضوع به چالشی در روابط دو کشور تبدیل شود. نقش مولوی‌ها بعد از انقلاب در مسائل اجتماعی، سیاسی و فرهنگی مناطق سنی‌نشین به مانند تشیع اهمیت ویژه‌ای یافت. اکثر این مولوی‌ها در پاکستان درس خوانده‌اند و تحت تاثیر متکب دیوبندی هستند، آنها به طور ناخودآگاه نسبت به مردم پاکستان نگاهی هویتی دارند و از دیدی برادرانه به آنها نگاه می‌کنند. این تاثیرپذیری ایرانیان سنی از پاکستانی‌ها در چند سال اخیر باعث رشد افراط‌گرایی در ایران شده است تا جایی که در سال‌های اخیر گروه جندالله با تاثیر از مدارس مذهبی پاکستان در خاک ایران دست به عملیات تروریستی می‌زدند و انسجام ملی ایران را با تهدید مواجه کردند (جوادی ارجمند و دیگران، ۱۳۹۱: ۶۷).

ب- افزایش مطالبات اقلیت‌ها از حکومت مرکزی و انسجام ملی ایران

تا پیش از ایجاد القاعده، اهل سنت ایران الگو و خط‌مشی مشخص و ثابتی نداشت، اما بعد از فعالیت القاعده و بن‌لادن بخش ناچیزی از اهل سنت روش این سازمان را الگوی خود قرار دادند و منجر به افزایش مطالبات از حکومت شیعه شد. متفکران جهادی و آرمان‌خواهی در میان افراد خصوصاً جوانان رشد کرده و در بسیاری از فعالیت‌های اجتماعی اثرگذار بوده، انتظارات و خواسته‌های آنها و انتظارات مشارکت در بخش‌های اجتماعی، سیاسی و فرهنگی با همان رویکرد (رویکرد سلفی‌گری القاعده) گسترش یافته است. برآیند این حرکت‌ها تشدید اختلاف مذهبی و موضع‌گیری‌های منفی می‌باشد که تهدیدی علیه انسجام سیاسی و اجتماعی ایران است. در شرایط کنونی مهم‌ترین عوامل موجد واگرایی در داخل خاک ایران سه گروه فرقه‌های قومی، مذهبی و سیاسی الحادی و مخالف نظام است. این اقدامات باعث کاهش وفاداری مرزنیسان به هویت ملی و انسجام ملی، تردهای غیرمجاز و تضعیف اقتدار حاکمیت و آسیب به اجرای طرح آمایش سرزمینی بود (پیشگاهی فرد و قدسی، ۱۳۸۷: ۹۳).

ج- رشد و تقویت اندیشه وهابیت‌گری در میان اهل سنت ایران و تضعیف انسجام ملی ایران
سالیانه بسیاری از رهبران مذهبی بلوچ در خارج از کشور در کشورهای عربستان، پاکستان و هند تحصیل می‌کنند و یا از اندیشه‌های حاکم بر فضای حوزه‌های علمی آنها متأثر می‌شوند. در افکار وهابیون و دیوبندی، شیعیان با توجه به باورشان مشرک به شمار می‌روند. بازگشت این مولوی‌ها با توجه به اندوخته‌های علمی در کشورهایی که تحصیل کرده‌اند و نیز علمای مدعو پاکستانی جهت آموزش علوم دینی در بلوچستان ایران، متناسب‌ترین پوشش برای فعالیت سلفی‌گری وهابیون و دیوبندی است. اثر این تفکر سازمان‌یافته، حداقل دو جنبه برای امنیت ملی ایران خطرآفرین می‌باشد؛ ۱- تخفیف و کاهش هویت‌ها و ۲- تابعیت‌های ملی به نفع هویت‌های مذهبی، نخستین تهدید ناشی از گسترش وهابی‌گری به ویژه در خاور و جنوب خاور است. ترویج این تفکر به ویژه تلاش برای تکوین تشکل‌های متعدد مذهبی، علاوه بر تقویت انرژی واگرایی این مناطق نسبت به هسته مرکزی حکومت و تضعیف انسجام سیاسی و اجتماعی، موجب افزایش همگرایی‌های اهل تسنن ساحل جنوب و بلوچ‌های حنفی خاور و جنوب خاوری ایران شده است (استیلند، ۱۳۹۰: ۳۹).

د- تشدید تضاد مذهبی شیعه و سنی و تضعیف انسجام ملی

خروج طلاب و روحانیون قوم بلوچ از کشور به منظور گذراندن دوره‌های عالی دروس دینی در کشورهای منطقه از جمله پاکستان و عربستان و وجود جریان‌های قوی سلفی‌گری وهابیت و

دیوبندی در این کشور سبب می‌شود که ناخودآگاه تحت تاثیر آموزش‌ها، القائات و جریان‌ات عقیدتی- سیاسی این کشورها قرار گیرد. آن‌سان که «رافضی» و ملحدانستن شیعیان جزء نخستین آموزش‌های مرسوم و متداول بین گروه‌های جماعات تبلیغی پاکستان و غیره به شمار می‌رود (کریمی پور، ۱۳۷۹: ۱۸۴)، تاثیر تبلیغات گروه‌های سلفی‌گری وهابیون و دیوبندی مبتنی بر اینکه ایران یک نظام شیعی است و نه یک حکومت اسلامی، باعث شده اشرار محلی به راحتی در قالب مذهب علیه نیروهای حکومتی عمل کنند و این عمل انسجام ملی ایران را که عامل دین پیوند دهنده آن است را با تهدید مواجه می‌کند و تضاد مذهبی را در بعضی مناطق کشور از جمله مناطق سنی‌نشین گسترش دهد. بنابراین سلفی‌گری دیوبندی و وهابیت به عنوان عامل بالقوه برای براندازی و ایجاد تفرقه و بحران در حوزه حاکمیت جمهوری اسلامی ایران هستند (حافظ‌نیا، ۱۳۸۵: ۳۳).

تهدیدات سخت‌افزاری گروه‌های سلفی پاکستان بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران الف) تهدیدات گروه‌های سلفی‌گری بر بقای جمهوری اسلامی ایران

بقای دولت به معنای موجودیت کل یکپارچه و به بیان دیگر مسئله مرگ زندگی دولت است. بنابراین تهدیداتی که به صورت خطرناک موجودیت آن را به مخاطره می‌اندازند، تهدیدات معطوف به بقای دولت معرفی می‌شود. بنابراین ظهور افراطی‌گرایی خشن در پاکستان از طریق گروه‌های سلفی با گرایش‌های دیوبندی و وهابیت و ضدیت با شیعه و جمهوری اسلامی ایران در کنار مرزهای این کشور می‌تواند بقای دولت را که به معنی کل یکپارچه است را با تهدید مواجه کند که عبارت‌اند از:

* بسترسازی برای حرکات افراطی و ایجاد آشوب‌های قومی- فرقه‌ای مسلحانه: نفوذ و گسترش سلفی‌گری در قالب گروه‌های سازمان‌یافته، غیرمنطقی، ساختارشکن در کنار مرزهای ایران باعث تشکیل و افزایش سازمان‌ها، احزاب سیاسی- مذهبی و تشکل‌های پنهان و آشکار افراط‌گرای غیر قانونی در داخل و خارج از مرزهای ایران می‌شود و این گروه با تقلیل اسلام محوری به شیعه‌هراسی می‌توانند منجر به ایجاد آشوب‌های قومی- فرقه‌ای مسلحانه در مرزهای ایران شود و بقای این کشور را به خطر اندازند (کریمی خویگانی، ۱۳۸۸: ۷۹). دیدگاه‌ها و مواضع تند گروه‌های سلفی متعصب به مکتب دیوبندی و وهابی‌گری در پاکستان نسبت به شیعه و انقلاب در خارج از کشور موجب مخالفت و مبارزه با انقلاب و شیعه میان برخی وابستگان به این جریان در داخل کشور و به تبع آن افزایش میزان رفتارهای خشونت‌بار شده است. نمود بارز آن شکل‌گیری جریان‌ها و اپوزیسیون‌های مختلف مخالف انقلاب در داخل و خارج از کشور است برخی از این گروه‌ها عبارت‌اند از: انجمن

طلاب اهل سنت ایران که مواضع تندی نسبت به انقلاب و شیعه دارد، سازمان اهل سنت ایران، الفرقان، جندالله، جندالشیطان و جیش العدل که عمدتاً در جنوب شرق کشور فعال هستند و بقای کشور را با تهدید مواجه کردند (رضایی، ۱۳۹۴: ۲).

* دست‌یابی گروه‌های سلفی به سلاح‌های هسته‌ای و بقای جمهوری اسلامی ایران: به گفته برخی کارشناسان منطقه، نفوذ آموزه‌های رادیکال در پاکستان به میزانی است که حتی دانشمندان هسته‌ای این کشور بارها خواهان همکاری و مساعدت با القاعده جهت تجهیز این سازمان به تسلیحات اتمی شیمیایی و بیولوژیک شده‌اند. این موضوع حتی از سوی سازمان سیا هم پیش از این تأیید شده بود. بسیاری از تحلیل‌گران نگران ناتوانی دولت پاکستان در کنترل تسلیحات هسته‌ای این کشور، در پی بی‌ثباتی سیاسی مداوم در این کشور هستند و از این موضوع در هراسند که با روی کار آمدی یک دولت افراطی در پاکستان، گروه‌های افراطی‌گر سلفی موجود در پاکستان به این تسلیحات دسترسی پیدا کنند. این فرض با ادعای "شاوون گریگوری"^۱، استاد دانشگاه برادفورد بریتانیا که معتقد است شبه نظامیان از سال ۲۰۰۷ سه بار به تاسیسات هسته‌ای پاکستان حمله کرده‌اند، قوت می‌یابد. بنابراین تضعیف کنترل دولت مرکزی بر رویدادهای کشور و تبدیل آن به دولتی ورشکسته، این احتمال را به وجود می‌آورد که کنترل تسلیحات هسته‌ای پاکستان به دست عناصر افراطی بیفتد که در آن صورت نه تنها هند، بلکه تمامی منطقه از جمله با خطر بالقوه به کارگیری این سلاح مواجه می‌شود. این شرط در صورتی حادث می‌شود که بعضی از گروه‌های افراطی در پاکستان مانند سپاه صحابه با عقایدی چون مسلمان‌ندانستن شیعیان و اهدافی چون مقابله با شیعیان پاکستان و مبارزه با انقلاب شیعی ایران و لشکر جهنگوی که حذف شیعیان و عقاید شیعی را در دستور کار خود قرار داده است، به این تسلیحات دسترسی پیدا کنند (سجادپور و کریمی قهرودی، ۱۳۹۰: ۲۵۰).

* شیوع تفکر وهابی‌گری و افزایش اقدامات تروریستی و جدایی‌طلبانه: یکی از تهدیدهای امنیت خارجی ایران در برنامه پنجم، شیوع تفکرات وهابی و سلفی‌گری در عمق استراتژیک خارجی جمهوری اسلامی ایران است که می‌توان به وضوح آنها را در افغانستان، پاکستان، عراق، لبنان، عربستان و امارات مشاهده کرد. سرمایه‌گذاری وهابیون امارات و عربستان بر مدارس مذهبی اهل سنت پاکستان و ترویج تفکرات وهابیت می‌تواند در آینده زمینه ایجاد و افزایش سازمان‌های مسلحانه فرقه‌ای را فراهم کند که با توجه به پارادوکس عقیدتی-سیاسی^۲ آنان با حکومت شیعی جمهوری اسلامی ایران می‌تواند زمینه وقوع برخی تهدیدهای امنیت ملی

1. Sean Gregory.
2. Ideological-Political Paradox.

را فراهم کند. ریشه‌های تهدیدات و منازعات فرقه‌ای و قومی داخلی ایران بی‌ارتباط با انواع خارجی از این دست نیست. خشونت‌های فرقه‌ای سازمان‌های تروریستی مانند سپاه صحابه در محیط امنیت داخلی و خارجی با توجه به فقر نسبی در استان‌های مرزی شرق کشور توانسته پتانسیل پذیرش برخی عقاید انحرافی، فرقه‌های ضاله یا عضویت آنان در برخی شاخه‌های تروریستی مانند جندالله را فراهم کنند (نطاق پور و احمدی، ۱۳۸۸: ۲).

بنابراین مجاورت سرزمینی با کانون‌های استقرار گروه‌های تروریستی و منازعات مسلحانه سپاه صحابه از دلایل شکل‌گیری گروه‌های تهدیدزای ثبات و امنیت در داخل کشور است. افزایش تنش‌ها و سیاسی شدن فرقه‌ها و قومیت‌ها توسط سپاه صحابه و جندالله می‌تواند زمینه نفوذ عوامل القاعده و طالبان را در جنبش‌های قومی و قبیله‌ای پشتون‌ها و بلوچ‌ها گسترش بخشد و به تدریج جبهه‌ای سیاسی- نظامی شامل گروه‌های مختلف برای جمهوری اسلامی ایران در استان‌های شرقی باز کند و تهدیدی جدی علیه امنیت مرزهای شرقی، تمامیت ارضی و حاکمیت سرزمینی باشد. افراط‌گرایی سازمان‌های تروریستی جندالله و سپاه صحابه موجب شکل‌گیری بلوکی شدن و گرایش‌های تجزیه طلبانه می‌شود. سازمان‌های تروریستی سپاه صحابه می‌تواند متقلکننده افراط-گرایی فرقه‌ای، منازعات قومیت، تمایلات جدایی طلبانه و بی‌ثباتی اقتصادی پاکستان به محیط امنیتی جمهوری اسلامی ایران باشد. تحرکات سازمان‌یافته تروریستی جندالله با تبلیغ شکل‌گیری بلوچستان بزرگ در نزدیکی تمایلات واگرایانه ایالت‌های کشمیر و بلوچستان پاکستان احتمال شکل‌گیری تمایلات تجزیه طلبانه تشدید می‌کند. تحرکات و اعمال انجام شده توسط این گروه‌ها با ایجاد تنش زیاد در سرحدات ایران و گسترش منازعات باعث افزایش هزینه‌های امور انتظامی، اختلال و تغییر در تصمیم‌گیری خرد و کلان کشور و موجب پیاده‌سازی نظریه دولت ورشکسته و ناکارآمد می‌شود که می‌تواند مقدمه شکل‌گیری بحران‌های مشارکت، هویت، توزیع، مشروعیت و نفوذ را فراهم کند.

تهدیدات گروه‌های سلفی‌گری بر "فیزیک دولت" جمهوری اسلامی ایران

فیزیک دولت را می‌توان به زیر ساخت‌های حیاتی، دارایی‌های کلیدی و فضای حیاتی عمومی و حکومتی یک کشور معنا کرد. دارایی‌های کلیدی به تاسیسات، تجهیزات، ارتباطات، اطلاعات، سازمان‌ها و کلیه مواردی اطلاق می‌شود که حیات مادی فیزیک دولت به آنها وابسته است. زیرساخت‌ها و دارایی‌های عمومی به معنای مواردی است که مدیریت عالی آن در اختیار دولت و منابع، درآمدها یا خدمات آن متعلق به احاد ملت است. در این راستا، زیرساخت‌های

ارتباطی، حمل و نقل، انرژی و دارایی‌های کلیدی در حوزه حکومتی و عمومی ج.ا. ایران هستند. بنابراین، هرگونه تهدیدی که آماج هدف مذکور باشد، به عنوان تهدیدی علیه امنیت ملی و فیزیک دولت تلقی می‌شود. گروه‌های سلفی پاکستان به عنوان دشمن شیعه و جمهوری اسلامی ایران در مرزهای این کشور دست به یک سری اقدامات افراطی زده و دارایی‌های کلیدی و فیزیک دولت را با تهدید مواجه می‌کند که اهم این تهدیدات عبارت‌اند از:

* افزایش هزینه‌های نظامی و کاهش منابع مالی و تضعیف نیروی انسانی: افزایش فعالیت‌های سخت افزاری گروه‌های سلفی معارض ج.ا. ایران در کنار مرزهای کشور باعث می‌شود نظام سیاسی برای به کنترل درآوردن اوضاع، حضور نیروهای پلیس، اطلاعاتی-امنیتی و در نهایت نیروهای مسلح خود را افزایش دهد. افزایش هزینه‌های نظامی، اطلاعاتی و پلیسی در کشور باعث کاهش منابع مالی و تضعیف نیروی انسانی در نیروهای امنیتی - نظامی می‌شود، لذا باید این را شاخصی از تهدیدهای سخت افزاری کشور تلقی کرد (جهانی، ۱۳۹۲: ۳۸).

* تهدیدات ناشی از خرابکاری در خطوط انتقال انرژی از ایران به هند و پاکستان: کشورهای جنوب آسیا مانند هند با داشتن منابع اندک گاز طبیعی و تقاضای بالای انرژی، در زمره بازارهای هدف ایران به شمار می‌رود. پروژه ساخت خط لوله ایران-پاکستان-هند در سال ۱۹۹۴ مطرح شد. برپایه این طرح، خط لوله گاز ایران به هند از راه خشکی ۲۷۷۵ کیلومتر قرار دارد که ۱۱۱۵ کیلومتر آن در خاک ایران، ۷۶۰ کیلومتر در خاک پاکستان و ۹۰۰ کیلومتر در خاک هند قرار دارد. این پروژه به دلیل تنش میان هند و پاکستان و نگرانی مقام‌های هندی از امنیت این خطوط لوله و عواملی دیگر مانند گروه‌های سلفی در پاکستان و تاکنون اجرا نشده است (پیشگاهی فرد و قدسی، ۱۳۸۷: ۹۰).

* تهدیدات ناشی افزایش مواد مخدر در کشور: مواد مخدر همواره یکی از دغدغه‌های اساسی ج.ا. ایران می‌باشد. دولت‌های پاکستان و افغانستان به دلیل مشکلات و چالش‌های سیاست داخلی کمتر به آن پرداخته‌اند. صدور مواد مخدر از شرق و جنوب شرق ایران برای مصارف داخلی و ترانزیت به اروپا در ردیف مهم‌ترین منابع ناامنی در این منطقه از کشور است (کریمی پور، ۱۳۸۹: ۴۹-۵۰). پاکستان به عنوان جولانگاه قاچاقچیان حرفه‌ای بین‌المللی شناخته می‌شود. وجود مناطق قبایلی خود مختار و خاکستری مانند «خیبر» و «مند» باعث شد تا لابراتورهای متعددی برای تولید و تبدیل مواد مخدر در این کشور فعال باشد. این شرایط موجب به وجود آمدن تهدیداتی برای امنیت ایران و فیزیک دولت ایران شده است. به گروگان گرفته شدن ۹ نفر سرباز نیروی انتظامی ج.ا. ایران در اوایل دی ۱۳۸۴ در مرز شرقی توسط اشرا قچاقچی وابسته به القاعده و انتقال آنها

به پاکستان از نمونه‌های بارز امن بودن این کشور برای اشرار و قاچاقچیان است (محمدی و احمدی، ۱۳۹۴: ۱۰۵). گروه‌های افراطی در پاکستان و طالبان شرعاً تولید مواد مخدر و ارسال آن به کشورهایی مانند ایران را حلال و مباح اعلام کردند. طالبان از تولید مواد مخدر و قاچاق آن اهداف سیاسی را دنبال می‌کند. هم‌چنین برخی از این گروه‌های افراطی از جمله طالبان حمایت از گروه‌های قاچاقچی را در ایران تشدید کرده و با کمک آنها درصدد ایجاد ناامنی در عمق کشور و دامن زدن به تعارضات سیاسی و مذهبی به ویژه در مناطق مرزی هستند. حمایت از گروهی موسوم به الفرقان و یکی از اشرار و قاچاقچیان معروف بلوچستان به نام مولا بخش درخشان، مرسوم به «مولک» در همین جهت صورت گرفت (حق پناه، ۱۳۷۷: ۱۶۲).

* تهدیدات ناشی از پناه دادن به مخالفین و دشمنان جمهوری اسلامی ایران: گروه‌های افراطی در طی دهه‌های گذشته تلاش کرده‌اند با مخالفین و معاندین ج.ا. ایران ارتباط برقرار کنند و فضای امنیتی در پاکستان برای آنان به وجود آوردند. این پدیده برای مدتی کوتاه در سال‌های آغازین پس از پیروزی انقلاب ایران به صورت فعالیت عناصر سازمان مجاهدین خلق ایران در «کوتیه» پاکستان مشاهده شده و با اتفاقاتی که برای آنان رخ داده ترجیح دادند مراکز فعالیت خود را به کشورهای دیگر منتقل کنند. پس از آن، ایجاد تسهیلات برای طلاب جوان اهل سنت ایرانی در مدارس مذهبی تندرو اهل سنت در پاکستان در دستور کار آنها قرار گرفت و همچنان جریان دارد. پناه دادن به اشرار و جذب افراط‌گرایان بلوچ پدیده دیگری است که در سال‌های اخیر مشاهده شده است. «عبدالمالک ریگی» از بلوچ‌های ناراضی و افراطی ایرانی است که برای مدتی در مدرسه «بینوری» کراچی دروس مذهبی را فرا گرفته و سپس یک گروه ناراضی و افراطی به نام «جندالله» تشکیل داده که محل استقرار آن در خاک بلوچستان پاکستان بوده است. اعضای این گروه با ورود به خاک ایران و انجام عملیات تروریستی به خاک آن کشور متواری و مخفی می‌شدند. گرچه سرکرده این گروه توسط اطلاعات ایران دستگیر و اعدام شد ولی اعضای این گروه همچنان در خاک پاکستان حضور دارند و تلاش می‌کنند با حفظ انسجام خود به جمهوری اسلامی ایران ضربه وارد کنند که این امر تهدیدی علیه فیزیک جمهوری اسلامی ایران و منابع مالی و انسانی این کشور است.

نتیجه‌گیری

گسترش منازعات خونین خاورمیانه به منطقه جنوب و مرکز آسیا مسلماً برای هیچ کدام از

بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی خوشایند نمی‌باشد. به خصوص آنکه این منطقه مرکزی خود دارای ظرفیت‌های بالقوه فراوانی برای بحران است. وجود اقوام و مذاهب گوناگون، فضایی آکنده از جدایی‌طلبی‌ها و نارضایتی‌ها را در منطقه به وجود آورده است. دولت پاکستان سال‌ها است که از گروه طالبان حمایت می‌کند اما اکنون این کشور خود در دام یک گروه تندرو داخلی گرفتار شده است. حمله ارتش پاکستان به مسجد سرخ سرآغاز نبرد دولت با مذهب خشونت‌طلب در پاکستان به شمار می‌رود. حادثه مسجد سرخ در پاکستان نشان‌دهنده تفکر نوین وهابیت است که سرچشمه آن در شبه جزیره عربستان است. رابطه عالمان حنفی مذهب پاکستان با حوزه‌های علمیه عربستان، امارات و کویت به این جریان افراطی گرایانه کمک شایانی می‌کند. شاید بتوان حادثه اخیر مسجد سرخ پاکستان را با روی کار آمدن فتح‌الاسلام مقایسه کرد. این دو حرکت از یک جریان فکری مشترک نشأت می‌گیرند، به عبارت دیگر مخرج مشترک فتح‌الاسلام و حادثه مسجد سرخ، بنیادگرایی سلفی و تفکر جمود و قشری‌گری است. به هر حال حوادث تروریستی، بمب‌گذاری، ضدیت با شیعه و به چالش کشاندن دولت پاکستان خود نشان‌دهنده تکمیل کمربند تروریسم افراطی از جنوب آسیا تا شمال آفریقا است. بعد از استقلال کشور پاکستان، مذهب به عنوان عنصری مهم در شناخت جامعه‌شناسی این کشور مطرح بوده و جامعه پاکستان و قانون اساسی این کشور بر پایه شریعت و دین بنا نهاده شده است اما سیاست خارجی این کشور بعد از خروج شوروی سابق از افغانستان به سمت بلندپروازی‌های سیاسی رفته و در این دوران، کشور پاکستان تصمیماتی در سیاست خارجی خود اتخاذ کرده که مبتنی بر واقعیت‌های سیاسی نبوده است. موقتی بودن این تصمیمات یکی دیگر از دلایل ضعف تصمیمات خارجی پاکستان می‌باشد. از سویی دیگر، رویکردهای گروهک‌های سلفی پاکستان در یک نگاه کلان‌دو نوع تهدیدات نرم و سخت امنیتی برای جمهوری اسلامی ایران ایجاد کرده است. در بعد تهدیدات امنیتی نرم، می‌توان مواردی همچون تهدیدات گروه‌های سلفی پاکستان بر هویت ملی جمهوری اسلامی ایران، تهدیدات گروه‌های سلفی پاکستان علیه حاکمیت ملی جمهوری اسلامی ایران و در نهایت تهدیدات گروه‌های سلفی بر انسجام سیاسی-اجتماعی جمهوری اسلامی ایران که خود شامل مواردی همچون تأثیرپذیری اهل سنت ایران از گروه‌های سلفی پاکستان و احیای ناسیونالیسم بلوچ، افزایش مطالبات اقلیت‌ها از حکومت مرکزی و انسجام ملی ایران، رشد و تقویت اندیشه وهابیت‌گری در میان اهل سنت و ایران و تضعیف انسجام ملی ایران و تشدید تضاد مذهبی شیعه و سنی و تضعیف انسجام ملی می‌شود. از سویی دیگر، تهدیدات سخت افزاری گروه‌های سلفی پاکستان بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران را می‌توان مشتمل بر مواردی همچون تهدیدات

گروه‌های سلفی بر بقای جمهوری اسلامی ایران که خود شامل موارد ذیل می‌شود (بسترسازی برای حرکات افراطی و ایجاد آشوب‌های قومی- فرقه‌ای مسلحانه، دست‌یابی گروه‌های سلفی به سلاح‌های هسته‌ای و بقای جمهوری اسلامی ایران و رشد تکفر وهابی‌گری و افزایش اقدامات تروریستی و جدایی طلبانه). تهدیدات گروه‌های سلفی بر "فیزیک دولت" جمهوری اسلامی ایران که شامل مواردی همچون (افزایش هزینه‌های نظامی و کاهش منابع مالی و تضعیف نیروی انسانی، تهدیدات ناشی از خرابکاری در خطوط انتقال انرژی از ایران به هند و پاکستان، تهدیدات ناشی افزایش مواد مخدر به کشور و تهدیدات ناشی از پناه دادن به مخالفین و دشمنان جمهوری اسلامی ایران) دانست.

Archive of SID

منابع

الف) فارسی

- احمدی، حمید، (۱۳۹۱)، «طالبان پاکستان، علل پیدایش، ماهیت و چالش‌های امنیتی»، فصلنامه سیاست، دوره ۴۲، شماره ۱.
- احمدی، حمید، (۱۳۷۷)، «آینده جنبش‌های اسلامی در خاورمیانه: طرح یک چارچوب نظری»، فصلنامه مطالعات خاورمیانه، شماره ۱۴ و ۱۵.
- امیر احمدی، هوشنگ، (۱۳۸۰)، «بحران افغانستان و سیاست منطقه ای ایران»، ماهنامه اطلاعات سیاسی و اقتصادی، شماره‌های ۱۳۳ و ۱۳۴.
- استیلند، پل، (۱۳۹۰)، «نابسمانی راهبرد امریکا در قبال پاکستان»، ترجمه سید محمود حسینی، فصلنامه مطالعات راهبردی جهان اسلام، سال دوازدهم، شماره ۴۵.
- پیشگاهی فرد، زهرا و قدسی، امیر، (۱۳۸۷)، «بررسی و تحلیل ویژگی‌های ژئوپلیتیکی پاکستان و نقش آن در روابط با سایر کشورها»، مجله پژوهش‌های جغرافیای انسانی، دوره ۴۱، شماره ۶۳.
- جوادی ارجمند، محمدجعفر و دیگران، (۱۳۹۱)، «تحلیل ژئواستراتژیک روابط ایران و پاکستان با تاکید بر عامل امنیتی»، فصلنامه شبه قاره هند، شماره ۱۲.
- جهانی، محمد، (۱۳۹۲)، «تاثیر اقلیت گرایي مذهبی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران با تاکید بر نقش سلفیت»، فصلنامه آفاق و امنیت، شماره ۲۰.
- حاجی ناصری، سعید و دیگران، (۱۳۹۴)، «تبیین شاخص‌های گفتمانی و نمادین گروهک تروریستی جیش العدل در تعارض با جمهوری اسلامی ایران»، مجله مطالعات انقلاب اسلامی، شماره ۴۱.
- حافظ نیا، محمدرضا، (۱۳۸۵)، «نقش هویت قومی در همبستگی ملی (مطالعه موردی قوم بلوچ)»، مجله پژوهشی علوم انسانی دانشگاه اصفهان، دوره ۲۰، شماره ۱.
- حریری، رحمان، (۱۳۹۲)، «بنیادگرایی سلفی - وهابی در پاکستان و تاثیرات آن بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، تهران: کنگره بین‌المللی شهدای جهان اسلام.
- حسینی، سیدسردار، (۱۳۷۹)، «طالبان: تهدیدی بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره‌های ۷ و ۸.
- حق پناه، جعفر، (۱۳۷۷)، «قاجاق مواد مخدر و تاثیر آن بر امنیت ملی ایران»، فصلنامه مطالعات راهبردی، شماره ۲.

- سجادی‌پور، کاظم و کریمی قهرودی، مائده، (۱۳۹۰)، «رقابت هسته‌ای هند و پاکستان و پیامدهای آن برای امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، سال ۱۴، شماره ۴.
- سیدنژاد، سیدباقر، (الف ۱۳۸۹)، «تحلیلی سازه‌انگارانه از تهدیدات نرم جریان سلفی‌گری با نگاهی به سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران»، *مجله رسانه*، شماره ۷۸.
- سید نژاد، سیدباقر، (ب ۱۳۸۹)، «سلفی‌گری در عراق و تاثیر آن بر امنیت جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه مطالعات راهبردی*، شماره ۴۷.
- شفیعی، نوذر، (۱۳۸۹)، *تبیین افراط‌گرایی در پاکستان و تاثیر آن بر امنیت تهران-اسلام‌آباد*، تهران: انتشارات دانشکده وزارت امور خارجه.
- عارفی، محمد اکرم، (۱۳۸۰)، «پاکستان و بنیادگرایی اسلامی»، *فصلنامه علوم سیاسی*، شماره ۱۶.
- عبدالله خانی، علی، (۱۳۸۹)، *پژوهش و تحقیق، امنیت نرم*، تهران: انتشارات ابرار معاصر.
- عبدالله خانی، علی، (۱۳۸۶)، *تهدیدات امنیت ملی (شناخت و روش)*، تهران: انتشارات ابرار معاصر.
- عبدالله خانی، علی، (۱۳۸۸)، «طرح ریزی الگوی کلان امنیت ملی»، *فصلنامه مدیریت بحران*، شماره‌های ۳ و ۴.
- عبدالله خانی، علی، (۱۳۹۰)، *نظریه‌های امنیت*، تهران: انتشارات ابرار معاصر.
- غفوری، محمود و دادوند، محمد، (۱۳۹۳)، «بررسی و تحلیل تهدیدات دولت و جامعه پاکستان علیه امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه مطالعات شبه قاره دانشگاه سیستان و بلوچستان*، شماره ۱۸.
- کریمی پور، یدالله، (۱۳۷۹)، ایران و همسایگان (منابع تنش و تهدید)، تهران: انتشارات جهاد دانشگاهی دانشگاه تربیت معلم.
- کریمی خویگانی، روح‌الله، (۱۳۸۸)، «بررسی تهدیدات نرم فرقه‌های وابسته به استعمار بر امنیت ملی جمهوری اسلامی ایران»، *مجله بصیرت و تربیت اسلامی*، شماره ۱۴.
- کشاورز، احمد، (۱۳۹۱)، «تاثیر سلفی‌گری منطقه‌ای بر امنیت جمهوری اسلامی ایران»، *فصلنامه مطالعات خاورمیانه*، سال ۱۹، شماره ۲.
- محمدی، حمیدرضا و احمدی، ابراهیم، (۱۳۹۴)، «واگرایی در روابط ایران و پاکستان با

- تاکید بر افراط‌گرایی مذهبی»، مجله مطالعات سیاسی جهان اسلام، شماره ۱۴.
- محمودی، زهرا، (۱۳۸۸)، «خشونت فرقه‌ای و امنیت انسانی در پاکستان»، تهران: کنفرانس بین‌المللی تحولات جدید ایران و جهان.
- مرادی، حجت‌الله، (۱۳۸۸)، قدرت و جنگ نرم از نظریه تا عمل، تهران: انتشارات ساقی.
- مزینانی، احمد و عبدالحسین خسرو پناه، (۱۳۹۴)، «پدیدارشناسی تکفیر‌گرایی و ارزیابی امنیتی آن»، فصلنامه پژوهش‌های حفاظتی-امنیتی، شماره ۱۲.
- مسعودنیا، حسین و صفی‌الله، شاه قلعه، (۱۳۸۷)، «بررسی علل رفتار خشونت‌آمیز نیروهای اسلامی در پاکستان با تأکید بر طالبانسم»، فصلنامه دانش سیاسی، شماره ۱.
- مسعودنیا، حسین و نجفی، داود، (۱۳۹۰)، «عوامل موثر در تکوین و رشد بنیادگرایی در پاکستان»، فصلنامه مطالعات شبه قاره، شماره ۸.
- میرزائی، علیرضا، (۱۳۹۲)، «سپاه صحابه و لشکر جهنگوی نماینده افکار افراطی سلفی‌گری»، مجله سراج منیر، شماره ۱۱.
- نائینی، علی محمد، (۱۳۸۸)، «بررسی ماهیت، ابعاد و حوزه‌های تأثیر تهدیدات نرم غرب علیه جمهوری اسلامی ایران»، فصلنامه مطالعات راهبرد دفاعی، شماره ۲۵.
- نجفی سیار، رحمان، (۱۳۹۱)، «جایگاه شیعیان در پاکستان»، کتابخانه دیجیتال دید.
- نجفی سیار، رحمان، (۱۳۹۲)، «کشتار سازمان یافته شیعیان پاکستان»، فصلنامه آفاق و امنیت، شماره ۲۰.
- نطق پور، مهدی و احمدی، مسعود، (۱۳۸۸)، «بررسی فعالیت‌های فرقه وهابیت و تأثیر آن در امنیت اجتماعی پایدار کشور»، کتابخانه دیجیتال دید.
- نعیمیان، ذبیح‌الله، (۱۳۸۴)، «انقلاب اسلامی و بازتاب آن بر پاکستان»، هفته‌نامه نگاه حوزه، شماره ۲۶۷.
- هانتینگتون، ساموئل، (۱۳۸۰)، «بنیادگرایی اسلامی محصول رویارویی تمدن‌هاست»، ترجمه طولانی، مجله ترجمان سیاسی، سال پنجم، شماره ۱۸.

(ب) انگلیسی

-Abdul Gaffar Mushab and Other, (2013), *Syubhat salafi*”, Solo: Indonesia: AbuAman publish.

-Dekmejian, Richard, Hrair, (2013), *Islam in Revolution: Fundamentalism in the Arab World*, Second Edition, Syracuse University Press.

-Fawaz, Gerges, (2005), *The Far Enemy: Why Jihad went Global*, London: Cambridge University Press.

-Hegghammer, Thomas, (2014), "The Rise of Muslim Foreign Fighters: Islam and the Globalization of Jihad", *International Security Journal*, Vol. 35, No. 3.

-Kenny, Jeffery, (2014), *Muslim Rebels: Kharijites and the Politics of Extrimism in Egypt*, London: Oxford University Press.

-Waldman, Peter, (2013), *Ethnic and Sociorevolutionary Terrorism: A Comparisson of Structures in Social Movement and Violence: Prticipation in Underground organization*, London: Greenwich Press.

-Sheehan, Michael, (2009), *International Security: An Analytical Survey*, London: Lynne Rienner Publishers.

Archive of SID